پولدار هفته

پرواز یك میلیاردی

اگر اطلاع ندارید، بدانید و آگاه باشید که در این روزها فیلمی روی پرده سینماست به اسم «منطقه پرواز ممنوع». این جناب در جشنواره فیلم کودك امسال در اصفهان هم جزو پرمخاطب‌ترین فیلم‌های جشنواره بوده. حالا خبر رسیده که این جناب منطقه پرواز ممنوع مرز فروش یك میلیارد تومان را رد کرده و دارد رکوردشکنی می‌کند.

آن‌طور که روابط عمومی این فیلم به ما در جام جم خبر داده، این فروش با گذشت سه هفته از آغاز اکران و با وجود شرایط خاص حاکم بر سینماها رقم خورده است. جالب است بدانید فیلم سینمایی منطقه پرواز ممنوع تاکنون بیش از ۹۰۰ میلیون تومان در شهرهای دارای سینما و ۱۵۰ میلیون تومان در شهرهای بدون سینما از طریق سینما سیار بلیت‌فروشی داشته است.

در زمینه رتبه فروش هم این فیلم توانسته رتبه سوم اکران را از آن خود کند.

فروش طوری بود که منطقه پرواز ممنوع سومین فیلم پرفروش هفته شد و بالاتر از «هزارتو»، «خانه پدری» و «سمفونی نهم» قرار گرفت. پیش‌بینی می‌شود روند رو به رشد استقبال مخاطبان در هفته‌های آینده نیز ادامه پیدا کند.

شهرهای بدون سینما یکی از اهداف فروش فیلم سینمایی منطقه پرواز ممنوع بود که از همان ابتدا و حتی پیش از زمان اکران در سینماهای سراسر کشور، امکان نمایش در آنها فراهم شد.

اکران در شهرهای بدون سینما به وسیله سینماسیار انجام شد و تاکنون در این نقاط بیش از ۳۰ هزار نفر به تماشای فیلم منطقه پرواز ممنوع نشسته‌اند.

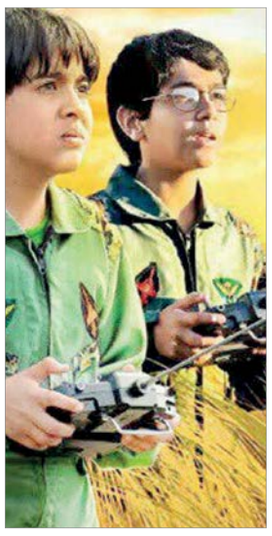

مخاطبان و علاقه‌مندان می‌توانند آمار لحظه به لحظه فروش، تعداد مخاطبان و مناطقی که فیلم در آنجا اکران می‌شود را به صورت لحظه‌ای در سایت www.ekran.ammaryar.ir مشاهده و دنبال کنند.

همچنین علاقه‌مندان به اکران فیلم منطقه پرواز ممنوع در شهرهای بدون سینما و مناطقی که امکان پخش فیلم در آن به دلایل مختلف وجود ندارد می‌توانند با ثبت سفارش در این سایت یا تماس با شماره ۰۲۱۴۲۷۹۵۶۲۰ درخواست خود را ثبت کنند. مخاطبان در صورت داشتن هرگونه سوال درباره اکران‌های گروهی و مدارس نیز می‌توانند با شماره ۰۲۱۴۲۷۹۵۶۴۰ تماس بگیرند.

زرویی نصرآباد سال گذشته در منزلش حوالی شهریار درگذشت/عکس: جاوش هماوندی- جام جم

یك سال از درگذشت مرحوم ابوالفضل زرویی نصرآباد گذشت؛ چرا او برای ما آدم مهمی بود؟

روی سنگ قبرم با کفش گِلی راه نروید!

محمدصادق علیزاده

فرهنگ و هنر

لید: «عمر آدمی دست خداست ولی فکر نمی‌کنم عمری طولانی داشته باشم.» این را ابوالفضل زرویی نصرآباد ۱۸ سال قبل گفته بود. به همین روزنامه ما هم گفته بود. همکاران ما در آن زمان ستون بوق اشغال داشتند که یکی از ماندگارترین ستون‌ها و تولیدات جام جم محسوب می‌شد.

در یکی از روزهای خرداد ماه ۱۳۸۰ رفته بودند سراغ آقا زرویی که آن روزها ۳۲ سالگی‌اش را می‌گذراند و خیلی هم شاد و شنگول بود. جمله ابتدایی لید، عبارتی بود که زرویی در پاسخ به سوالی گفته با این مضمون که فکر می‌کنی کی از دنیا می‌روی؟! ظاهرا شهود زرویی از خودش خیلی هم بیراه نبود.

او سال گذشته در همین روزها راهی دیار باقی شد. فردا هم سالروز درگذشت او محسوب می‌شود. تقدیر آن بود که زرویی عمر زیادی نداشته باشد و در ۴۹ سالگی این دنیا را ترك گوید.

مردای دکترای حل جدول

حالا ایرادی ندارد خیلی اسم زرویی را نشنیده باشید. اگر اسمش را نشنیده باشید حتما بعضی از آثار و سروده‌هایش را شنیده یا خوانده‌اید. مثلا این یکی حتما به گوش‌تان خورده یا کلیپش را در سال‌های دور دیده‌اید، زمانی که بلوتوث حرف اول را در نهضت انتقال فایل می‌زد. زرویی این سروده را در شب شعر رمضانی سال ۸۳ رهبری هم خوانده بود و بعد از پخش شدن از تلویزیون هم حسابی دست به دست شد:

مردای نازدار اهل شهرن
با خودشون هم این قبیله قهرن
مردای دکترای حل جدول
مردای نق نقوی لوس تنبل
لعنت و نفرین می‌کنن به جاده
اگر برن چار تا قدم پیاده
مردای خواب تو ساعت اداری
تازه دو ساعتم اضافه‌کاری
توی رگاشون می‌کشه تنوره
تری گلیسرید و قند و اوره
بچه به دنیا می‌آرن با نذور
اغلب‌شون یه دونه اون هم به زور
پیش هم از عاطفه دم می‌زنن
پشت سر اما واسه هم می‌زنن

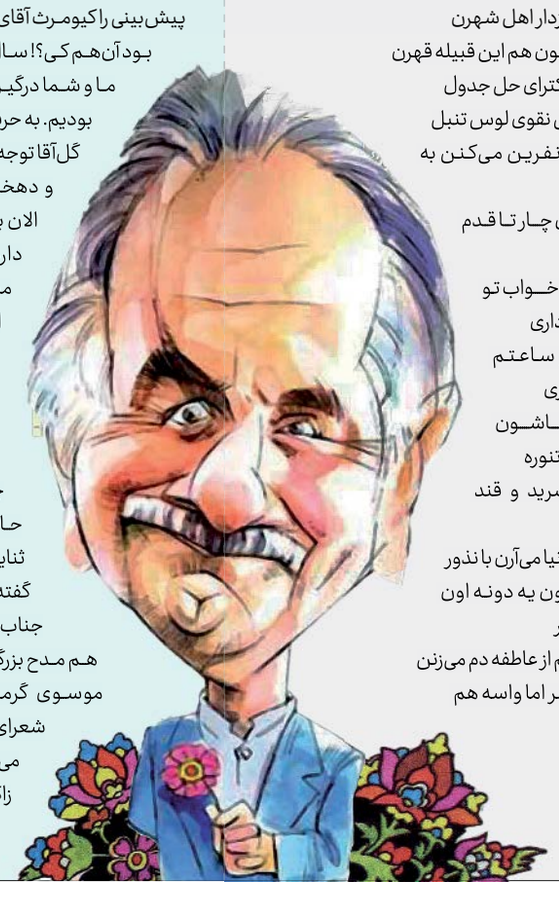

نان قرض دادن گل‌آقا و ابوالفضل

اصلا همین که ابوالفضل زرویی را نه با خودش بلکه با آثارش را می‌شناسید یعنی این‌که استاد اهل جلوت نبوده اما آثارش حسابی توانسته بین مردم جا باز کند و دیده شود. خب التفات هم دارید که همین مساله هم کم چیزی نیست. کم‌اند هنرمندانی که آثارشان توانسته نقب بزند به ذهن و فکر مردم و روی لب و دل آنها زمزمه شود. این پیش‌بینی را کیومرث آقای صابری فومنی هم کرده بود آن‌هم کی؟! سال ۱۳۷۱ زمانی که خیلی از ما و شما درگیر درس و مشق مدرسه بودیم. به حرفای ۲۷ سال قبل مرحوم گل‌آقا توجه کنید: «...قلمی که عبید و دهخدا در دست داشتند، الان بی‌صاحب نیست. طنز دارد جان می‌گیرد. یکی از مشهورترین طنزنویسان امروز ما. ملانصرالدین . (ابوالفضل زرویی نصرآباد) فقط ۲۳ سال دارد! چراغ‌ها دارند روشن می‌شوند. شهر چراغانی خواهد شد...»

حالا که صحبت از مدح و ثنایایی شد که برای زرویی گفته‌اند در جریان باشید که جناب علی موسوی گرمارودی هم مدح بزرگی در حق زرویی کرده. موسوی گرمارودی که خودش از شعرای به نام معاصر محسوب می‌شود، زرویی را عبید زاکانی طنز معاصر نامیده!

نظر استاد درباره شوخی با قومیت‌ها

خب این روزها شوخی با قومیت‌ها تبدیل به یك مساله خطرناك شده. حالا نه فقط با قومیت‌ها که سراغ شوخی با هر قشری بروید از یك جا صدای اعتراض بلند می‌شود که به ما توهین کردید و این صحبت‌ها. حالا جالب است نظر آن مرحوم را درباره شوخی با اقشار و قومیت‌ها بخوانیم. زرویی در مصاحبه‌ای که سال ۹۴ با همین روزنامه خودمان داشته و زحمت مصاحبه را هم زینب مرتضایی‌فرد کشیده، درباره کم‌تحمل بودن و کم‌ظرفیت بودن در برابر طنز، حرف‌های بانمك و خوشمزه‌ای زده:

«مجموعه تلویزیونی در حاشیه که ساخته شد، بسیاری از پزشکان اعتراض کردند تا کار رسید به کشیدن بخیه یك کودك. مشابه این اتفاق برای من هم رخ داده و معتقدم این اتفاق‌ها، طنز برایش کم است. باید هجوش کرد. البته منظورم از هجو فحاشی و بی ادبی نیست... واقعا بعضی از ما مردم کم ظرفیتی شده ایم و شرایط را به سمت گروکشی‌هایی برده ایم که خودمان ضرر اصلی اش را می‌پردازیم. قربانی اصلی این اتفاقات هم طنزپرداز است که دیگر نمی‌داند باید از چه چیزی حرف بزند تا کسی عصبانی نشود.»

استاد همچنین درباره شوخی با قومیت‌ها هم دیدگاه بامزه‌ای دارد: «می‌گویند شوخی با قومیت‌ها کار اروپایی‌ها و انگلیسی‌هاست.

جالب است بدانید اولین بار که پای اروپایی‌ها به ایران باز شد دوره صفویه بوده که اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم است. در حالی که عبید زاکانی در قرن هشتم یا راغب اصفهانی خیلی قبل‌تر از او در مجموعه طنزهایی که گردآوری کرده، شوخی با قومیت‌ها به شکل پررنگی در آنها وجود دارد.

در نوشته‌های آنها سمبل شناسی شده و با هر قوم به آنچه در آن مشتهر بوده اند شوخی شده و هیچ کس هم از این شوخی‌ها ناراحت نمی‌شده است.»

یك نویسنده جدی

حالا درست است که هویت اصلی زرویی با طنز و مزاح گره خورده و حتی بنیانگذاری جلسات طنز «در حلقه رندان» حوزه هنری هم محسوب می‌شود که حالا ۱۸ ساله شده، ولی یحتمل فیوز خواهید پراند اگر بدانید، هنر استاد محدود به طنزنویسی نبوده و آن مرحوم دستی هم در نویسندگی داشته است.

اگر جویای آثار ادبی و غیرطنز آن مرحوم باشید باید یادی کنیم از کتاب «ماه به روایت آه» که به سعی انتشارات معظم نیستان راهی بازار نشر شده است.

معرفت زرویی در این کتاب حسابی قل قل جوشیده و خلوص و سادگی و صفا و زلالی‌اش بدجور آدم را شرمنده می‌کند.

اصلا آدم غیرباصفا و غیرزلال و غیرصاف و غیرساده مگر می‌تواند قلم به دست بگیرد و روایت‌هایی داستانی. تاریخی از حضرت عباس(ع) بنویسد و کارش هم آنقدر بالا بگیرد و باکیفیت باشد که جایزه ادبی کتاب سال عاشورای سال ۹۴ را هم از آن خود بکند؟ از ما اگر بپرسید، معتقدیم اگر زرویی همین یك کتاب را توشه آخرتش کرده باشد، برایش کافی است!

و در نهایت سنگ مزار...

شاید بهتر باشد برای بستن گزارش برگردیم به همان گفت‌وگوی بی‌شیله پیله ۱۸ سال قبل زرویی با همکاران‌مان در آن سال‌های جام‌جم. سوال پایانی گفت‌وگوی بوق اشغال، سوال عجیبی و پاسخ زرویی هم عجیب‌تر. زرویی در پاسخ به این سوال که دوست دارید روی سنگ قبرتان چه چیزی بنویسید، می‌گوید: «سی چهل هزار تومان بابت این سنگ قبر پول داده‌ایم. این قدر با کفش گِلی رویش راه نروید. این که این زیر خوابیده، ناسلامتی آدم است.»

پشت صحنه

چگونه عصرانه را بپیچانیم؟

دیروز تولد همسر نگارنده بود. بله. جمله سختی است، باید یك بار دیگر بخوانیدش اصلا! حالا فکرش را بکنید رئیس دستور داده بود نگارنده عصرانه بدهد! باز هم فکرش را بکنید پیچاندن عصرانه‌ای که رئیس دستورش را بدهد چقدر دشوار است. خلاصه که نگارنده داشت این واقعیت را می‌پذیرفت که باید دست به جیب شود، اما تبریك به موقع روابط عمومی روزنامه به حسین لطفی دبیر گروه اقتصاد برای تولدش، چنان راه در رویی پیش پایش گذاشت که نگویم برایتان. نگارنده هم عصرانه را انداخت گردن دبیر گروه اقتصاد که بالاخره هر چه باشد مال و مکنتشان از ما فرهنگ چی‌ها بیشتر است و عصرانه دادن برایشان راحت‌تر. خلاصه که این واقعه مبارك تولد را خدمت همکار چند گروه آن طرف تر تبریك گفته و از تولدشان در چنین روز مبارکی هم نهایت تشکر را داریم. امیدوارم خدا همین طور به داد همه‌تان برسد و از پول خرج کردن نجات پیدا کنید. ما که راضی هستیم! شکر.

بعد از همه این حرف‌ها و احوالات برویم سراغ صفحات روزنامه که دیروز وقتی همه پای تلویزیون مشغول تماشای فیلم بودند، ما نوشتیمش و آماده کردیم برای اولین روز هفته، آن هم اول هفته‌ای که جشن و شادمانی دانش‌آموزان و دانشجویانی است که تعطیل شده اند و قرار است خانه بمانند تا ترددها کمتر و هوا بهتر شود.

در صفحه ۹ محمدصادق علیزاده به مناسبت سالگرد درگذشت زنده یاد ابوالفضل زرویی نصرآباد نویسنده و طنزپرداز چیره دست، رفته سراغ احوال و آثارش و درباره او برایتان نوشته است. زرویی نصرآباد آنقدر باسواد و طناز بود که هر کس شعر یا نوشته‌ای از او خوانده باشد، هیچ وقت فراموشش نکند. اگر آثار او را مطالعه نکرده اید، همین حالا نامش را بگذارید در فهرست مولفانی که باید حتما کتاب هایشان را خواند.

در صفحه ۱۰ صابر محمدی گزارشی خواندنی نوشته درباره پدیده عجیب و غریب جعل جملات و اشعار و انتساب آنها به بزرگان. از علی شریعتی تا کورش کبیر و بسیاری چهره‌های دیگر که خودتان هم در جریانش قرار دارید. محمدی که از قضا دیروز آرام و خوش اخلاق هم بود، چنان گزارشی نوشته که خواندنش را شروع کنید، محال است بتوانید نیمه کاره رهایش کنید.

ساناز قنبری هم یکی دو هفته‌ای است درگیر پیاده کردن و گرفتن تایید نهایی حامد عنقا برای انتشار مصاحبه اش است. عنقا این روزها در حال تصویربرداری «آقازاده» برای پخش در شبکه نمایش خانگی است و احتمالا به زودی می‌توانیم کار تازه اش را تماشا کنیم. گفت‌وگوی چالشی و جذاب همکارمان با عنقا را در صفحه ۱۱ بخوانید.

و اما آخرین صفحه هم اختصاص یافته به آیین پایانی پنجمین کنگره علوم انسانی و معرفی برگزیدگان آن. بخوانید و ببینید امسال کدام چهره‌ها جایزه جهانی علوم انسانی را از آن خود کرده‌اند.